

بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و فقر با استفاده از الگوی «VAR» با تأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی دوره ۱۳۶۹-۱۳۹۳

sajjadi@mofidu.ac.ir
yousefi@mofidu.ac.ir
mary.khosravy@yahoo.com

سید محسن سجادی / مربی دانشگاه مفید
محمدرضا یوسفی / دانشیار دانشگاه مفید
مریم خسروی زاده / کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید
دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

چکیده

در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار (ع) علاوه بر نکوهش فقر، بر لزوم حفظ حقوق مالکیت افراد تأکید شده است. این مقاله با استفاده از روش «تحلیلی» و «اقتصادسنجی» به بررسی و برآورد رابطه میان فقر و حقوق مالکیت از نگاه اقتصاد اسلامی می‌پردازد. در این بررسی، ضمن تحلیل این موضوع در چارچوب ادبیات اقتصاد اسلامی، ارتباط دوسویه شاخص حقوق مالکیت و شاخص فقر مطلق پیشنهادی آمارتیا سین در اقتصاد ایران، طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۳ تجزیه و تحلیل شده است. بررسی تجربی مزبور با استفاده از سری‌های زمانی و به‌کارگیری الگو سنجی خودرگرسیون برداری صورت گرفته است. بنا به فرضیه مقاله، بین فقر مطلق و نقض حقوق مالکیت رابطه‌ای دوسویه و مستقیم وجود دارد. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه دوسویه بین فقر و حقوق مالکیت در رویکرد اسلامی است. بر اساس مقتضای آیات و روایات، بروز فقر و تشدید آن موجبات تعدی به حقوق افراد را فراهم می‌آورد؛ نقض حقوق مالکیت افراد نیز موجب گسترش فقر می‌شود. یافته‌های مطالعه تجربی مقاله نیز حاکی از وجود رابطه دوسویه و مستقیم بین فقر مطلق و نقض حقوق مالکیت در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۳ است.

کلیدواژه‌ها: حقوق مالکیت، فقر، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی، اقتصاد اسلامی، الگوی VAR.

طبقه‌بندی: JEI, Z12, D63, P36, P14

بانک جهانی برای توسعه اقتصادی کشورهای فقیر جهان، بر اهمیت تأمین حقوق مالکیت و تضمین آن تأکید می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۰). برقراری امنیت برای مالکیت، سبب ایجاد انگیزه در افراد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که ریسک فعالیت‌ها را در جامعه کاهش خواهد داد. با کاهش هزینه‌های مبادله و نااطمینانی، انجام مبادله سهل‌تر شده، از این طریق، انجام فعالیت‌های اقتصادی در جامعه رونق می‌گیرد. با افزایش فعالیت‌های اقتصادی، افراد جامعه صاحب منبع درآمد و با افزایش عایدی خواهند شد که خود منجر به کاهش درجه‌ای از فقر می‌گردد.

بدین‌رو، حقوق مالکیت علاوه بر تأثیرات مثبتی که بر شاخص‌های کلان اقتصادی، از جمله انباشت سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری، مصرف و پس‌انداز بخش خصوصی، کارایی منابع، فساد و رانت‌جویی، رشد و توسعه اقتصادی دارد (علی صمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷-۱۹۷)، انتظار می‌رود فقر اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

این نوشتار، که از منظر اقتصاد اسلامی در نوع خود بدیع است، به دنبال یافتن پاسخ سؤال ذیل است: چه رابطه‌ای میان فقر و حقوق مالکیت در ایران وجود دارد؟

به سبب آنکه نظام حکومتی ایران یک نظام اسلامی است، برای پاسخ به این پرسش، باید این رابطه را در ادبیات اقتصاد اسلامی بررسی کنیم. این پژوهش با مقدمه‌ای بر مفهوم «فقر»، تشریح مفهوم حقوق مالکیت و شاخص‌های آن آغاز می‌شود. پس از بیان ادبیات موضوع و نقد پژوهش‌های انجام شده در بخش مبانی نظری، به تبیین و بررسی رابطه متقابل میان دو شاخص پیش‌گفته در اقتصاد اسلامی می‌پردازد و با استناد به آیات قرآن و گفتار معصومان علیهم‌السلام وجود رابطه متقابل میان آنها را نشان می‌دهد. در نهایت، با استفاده از داده‌های گردآوری شده، الگوی خودرگرسیون برداری ذی‌ربط را برآورد کرده، رابطه مذکور در مطالعات تجربی نیز نشان داده می‌شود.

ادبیات موضوع

در این بخش به معنا و مفهوم دو عنصر اصلی پژوهش می‌پردازیم:

الف. «فقر»

«فقر»، در معنای لغوی، نداشتن مایحتاج است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۱۰۷).

فقر اقتصادی به خواسته‌های مادی مرتبط می‌شود که به دلیل ابزارهای ناکافی در برآورده شدن حداقل نیازها در زمینه تأمین خوراک، مسکن، بهداشت و تحصیل به وجود می‌آید و این وضعیت با عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی و اعمال تبعیض‌های مختلف، حالت وخیم‌تری به خود می‌گیرد (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

در بین فقرا، افراد بسیار فقیرتری وجود دارند که دستیابی به نیازهای اولیه و اساسی زندگی برایشان مقدور نیست و در نتیجه، این افراد قادر به تأمین نیازهای اولیه حیات در حداقل سطح استاندارد نیستند. این جنبه از فقر را «فقر مطلق» نامیده‌اند (همان، ص ۱۲).

تعداد افراد فقیر و خط فقر به تنهایی نمی‌تواند الگوی فقر را توصیف کند؛ زیرا به ازای خط فقر و تعداد فقیران مشابه در دو یا چند جامعه، شدت فقر در این جوامع می‌تواند متفاوت باشد (همان، ص ۲۴). مشکل اصلی در تبیین کمی فقر مطلق، به نسبت آن باز می‌گردد؛ زیرا مجموعه نیازهای افراد به عواملی مانند عوامل محیطی، شرایط اقلیمی، آداب و رسوم، عادات و ارزش‌های فرهنگی وابسته است. بنابراین، یافتن حداقل نیازمندی‌های قابل استفاده در همهٔ زمینه‌ها مشکل می‌نماید (یوسفی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۸).

بروز فقر، آنچنان که به روش سنتی اندازه‌گیری می‌شود، به درصدی از مردم اشاره می‌کند که درآمد یا مصرف آنها زیر خط فقری است که بر حسب شاخص‌های استاندارد زندگی به دست آمده است (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

برای درک اندازهٔ فقر، شاخص‌هایی وجود دارد که شدت فقر را نشان می‌دهند؛ مانند: شاخص نسبت افراد فقیر، شاخص نسبت شکاف درآمدی، شاخص گریر، شاخص فقر فاستر، و شاخص فقر سن که به خاطر نشان دادن توزیع فقر حاصل از نابرابری درآمد، در این مقاله از آن استفاده کرده‌ایم.

شاخص فقر سن، که بر پایهٔ مفهوم رتبه‌ای «رفاه» قرار دارد و محرومیت نسبی افراد فقیر را در مقابل سایر افراد جامعه در نظر می‌گیرد، به شکل ذیل است:

$$P = A \sum_{i=1}^q v_i g_i \quad \text{معادله ۱:}$$

در این معادله، v_i وزن شکاف فقر، (g_i) i امین فرد فقیر؛ و A جزء ثابت نرمال شده است که به تعداد کل افراد جامعه (n)، تعداد افراد فقیر (q) و خط فقر (z) بستگی دارد.

ویژگی شاخص سن آن است که اندازه‌اش بین صفر (وقتی فقری در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (وقتی کل جامعه فقیر باشد) تغییر می‌کند (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲۷-۲۸).

ب. «حقوق مالکیت»

مفهوم «حقوق مالکیت» به طور مرسوم در دههٔ ۱۹۶۰ مطرح شد، هرچند سال‌ها پیش از آن، در آموزه‌های حقوقی اسلام، با به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و تأکید بر رعایت حریم آن از جانب مسلمانان، به چشم می‌خورد. سیدمحمدکاظم یزدی، صاحب کتاب *عمروۃ الوثقی*، از منظر فقهی «مالکیت» را چنین تعریف می‌کند: حقیقت مالکیت چیزی جز یک اعتبار عقلایی نیست؛ زیرا هنگامی که چیزی در دست فردی باشد، عقلاً رابطه‌ای بین این فرد و آن چیز برقرار دانسته که یا این رابطه باعث می‌شود تا فرد از نظر عقلاً مجاز به تصرف در آن چیز باشد، و یا اینکه عقلاً همان رابطه را به معنای قدرت بر تصرف می‌دانند. (یزدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴).

امام خمینی^ع نیز در کتاب **البیع**، مالکیت را اعتباری عقلایی دانسته که از آثار این رابطه، قدرت بر هرگونه تصرف در آن شیء است (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵). بنابراین، مالکیت امری اعتباری و قراردادی است که در فرایند پیشرفت جوامع بشری، توسط جامعه بشری و به تعبیر فقهی، توسط عقلا اعتبار شده است. این قراردادهای، قوانین و مقررات گرچه اعتباری هستند، اما بر اساس واقعیت زندگی پذیرفته شده‌اند. در نتیجه، رابطه مالکیت نیز یک قرارداد است که جامعه آن را پذیرفته است. پذیرش مفاهیم قراردادی به خاطر نیاز این جوامع بوده و بر منطقی عقلایی استوار است. برای مثال، اگر مالکیت پذیرفته نشود، انگیزه فعالیت و پیشرفت در جوامع بشری از بین می‌رود.

قانون مدنی ایران «مالکیت» را تعریف نکرده است، اما اوصاف این حق را می‌توان از مواد قانونی به دست آورد. به موجب ماده (۳۰) قانون مدنی، مالکیت حقی مطلق است، و از ماده (۳۱)، انحصاری بودن آن به دست می‌آید. همچنین به رغم عدم تصریح قانونی، مالکیت حق دایمی است که موقتی بودن با طبیعت آن منافات دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵-۱۰۸).

مکتب اقتصاد اسلامی نه مالکیت خصوصی و نه مالکیت عمومی را اصل نمی‌داند، بلکه در آن واحد، اشکال گوناگون برای مالکیت مقرر می‌دارد و اصل «مالکیت مختلط» را (مالکیتی که دارای اشکال متنوع است) به جای «اصل شکل واحد مالکیت»، که نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم به آن معتقدند، وضع می‌کند. از این لحاظ، سه نوع مالکیت در اسلام وجود دارد: مالکیت عمومی، مالکیت دولتی، و مالکیت خصوصی که در طول مالکیت خداوند است و از آن نشئت می‌گیرد (صدر، ۱۳۷۵، ص ۴۴۲).

بحث حقوق مالکیت در محدوده مالکیت خصوصی مطرح و محترم شمرده شده، از قاعده «تسلیط» («انَّ النَّاسَ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ»؛ استخراج گشته، و در بسیاری از آیات و روایات بر احترام بدان تأکید شده است.

کوز نظریه «حقوق مالکیت» را با عنوان کردن مفهوم «هزینه‌های مبادله»، به دانش اقتصاد معرفی کرد. وی با بررسی تأثیر هزینه‌های مبادله، نشان داد که اگر حقوق مالکیت به خوبی تعریف شود و مذاکره بدون هزینه در میان طرف‌های ذی‌نفع امکان پذیرد، می‌توان آثار جانبی منفی را بدون دخالت دولت از راه مذاکره و توافق طرف‌ها از بین برد (کوز، ۱۹۶۰). از ویژگی‌های حقوق مالکیت، داشتن توانایی قانونی به منظور منع دیگران از استفاده از یک کالا یا دارایی است (کافمن، ۲۰۰۳).

به طور خلاصه، حقوق مالکیت به حق مالک در استفاده از کالا و دارایی برای مصرف و تولید اشاره دارد و با ویژگی تصرف، انتقال و قدرت ممانعت همراه است، و مهم‌ترین مزیت آن، کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش رشد اقتصادی است.

حقوق مالکیت به حق مالک در استفاده از کالا و دارایی برای مصرف و تولید اشاره دارد (حق استفاده). این حق شامل حق انتقال به شخص دیگر در قالب فروش، هدیه یا میراث است (حق انتقال). حق مالکیت به طور معمول

متضمن حق انعقاد قرارداد با دیگران در قالب فروش، اجاره، وثیقه یا اعطای اختیار به دیگران برای استفاده از آن (حق تصرف) است و مهم‌ترین ویژگی آن کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش رشد اقتصادی است.

در ادبیات حقوق مالکیت، شاخص‌های متعددی ارائه شده است؛ شاخص‌های معطوف به تحلیل‌های اقتصاد کلان بسیار محدودند. مهم‌ترین آنها شاخص بین‌المللی «حقوق مالکیت» و شاخص پیشنهادی «بنیاد هریتیج» است. «شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت» یک گزارش سالیانه است که کشورها را بر حسب حمایت از حقوق مالکیت (فکری و فیزیکی) مقایسه می‌کند. این شاخص به دنبال بررسی آثار محیط حقوقی و سیاسی یک کشور است و اینکه رسمیت یافتن و ضمانت اجرایی حقوق مالکیت چه تأثیری بر توسعه اقتصادی هر کشور دارد. در گزارش ارائه شده از این شاخص در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار، شاخص‌های مربوط به اقتصاد ایران نیز با سایر کشورها مقایسه شده است. برای رتبه‌بندی کلی این شاخص، نمره‌ای از صفر تا ۱۰ به هر کشور اختصاص داده می‌شود؛ به گونه‌ای که نمره ۱۰ نشان‌دهنده بیشترین حمایت از حقوق مالکیت و نمره صفر نشان‌دهنده کمترین حمایت از حقوق مالکیت است.

بنیاد «هریتیج» با توجه به آزادی اقتصادی، فضای باز سیاسی، بهبود فضای کسب و کار و چندین شاخص دیگر، شاخص ترکیبی «حقوق مالکیت» را برای کشورها محاسبه می‌کند. بهترین عملکرد را با رتبه ۱ و ضعیف‌ترین را با رتبه ۵ نشان می‌دهد. طی دهه اخیر، رتبه مربوط به ایران از ۴/۵ به ۵ تنزل یافته است (<http://www.heritage.org/index/country/iran>).

برای اندازه‌گیری حقوق مالکیت فکری یا معنوی (شامل حقوق مربوط به اختراعات، اکتشافات، کارهای ادبی و هنری، نمادها، نام‌ها، ایده‌ها، تصاویر و طرح‌هایی که در تجارت استفاده می‌شوند) از شاخص‌هایی مانند «کینارت پارک» یا شاخص «راپ و روزک» استفاده می‌گردد.

به سبب کمبود آمار مربوط به ایران، در سال ۲۰۱۴ نام این کشور از فهرست کشوری IPIR حذف و در سال ۲۰۱۶ مجدد ذکر شد. در گزارش سال ۲۰۱۷ کشور ایران از میان ۱۲۹ کشور با کسب نمره ۴/۲، رتبه ۹۹ در جهان و رتبه ۱۱ خاورمیانه را به دست آورد (<https://Internationalpropertyrightsindex.org/country/iran>).

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه بررسی هر دو شاخص به طور جداگانه و یا بررسی تأثیرات آن بر شاخص‌های دیگر صورت گرفته است. پژوهش‌های موجود به بررسی تأثیر عوامل متعدد بر کاهش فقر پرداخته است که در میان هیچ‌یک، شاخص حقوق مالکیت به چشم نمی‌خورد (حسن‌زاده ۱۳۷۹؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد ۱۳۸۳؛ علی‌صمدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ خالدی و همکاران، ۱۳۸۷). در خصوص حقوق مالکیت، بیشتر منابع اسلامی به تعریف اصل «مالکیت»، اقسام و اسباب آن پرداخته (صدر، ۱۳۷۵؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲؛ موسویان، ۱۳۷۴؛ کرمی و پورمند، ۱۳۸۰؛ مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۷) یا تأثیر آن بر رشد اقتصادی را مد نظر قرار داده‌اند (خداپرست، ۱۳۸۸؛ رزانی، ۱۳۷۶؛ بدری و گرشاسبی‌نیا، ۱۳۹۱؛ حسینی و نجف‌آبادی، ۱۳۹۲؛ خلیلی عراقی و گودرزی فراهانی، ۱۳۹۲؛ شاه‌آبادی و ساری‌گل، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴؛ حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۵).

چون پیش از این هیچ‌یک از اقتصاددانان، نه در مکتب اقتصاد اسلامی و نه سایر مکاتب، به بررسی رابطه میان حقوق مالکیت و فقر مطلق پرداخته‌اند، پژوهش حاضر کاری بدیع در این زمینه به‌شمار می‌آید. آنچه این تحقیق ارائه می‌دهد رابطه‌ای است که به‌طور غیرمستقیم از نصّ قرآن و روایات معصومان^ع استخراج شده و تبیین گردیده است.

مبانی نظری

برای تبیین رابطه متقابل و دوسویه در چارچوب نظری اقتصاد اسلامی، لازم است ابتدا به بررسی و تحلیل رابطه موجود در آیات و روایات، از جانب فقر به حقوق مالکیت پرداخته، سپس استدلال‌ها و استنادات مربوط به رابطه، از سمت حقوق مالکیت به فقر را بررسی کنیم. در نهایت، رابطه یا عدم رابطه بین این دو نوع آن مشخص خواهد شد.

بررسی اثر فقر بر حقوق مالکیت

«فقر» از مجاری و مسیرهای گوناگون، به نقض حقوق مالکیت می‌انجامد. در اینجا، با تأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی، به چهار مجرای اثرگذاری اشاره می‌شود.

فقر دارای علل، عوامل و آثاری است. علل فقر، فردی یا اجتماعی است؛ گاهی در اثر اعمال تبعیض و تفاوت در تخصیص زمینه‌های فعالیت اقتصادی و یا توزیع نابرابر درآمدها رخ می‌دهد، و گاهی در اثر بروز سوانح و اتفاقات طبیعی؛ مانند اینکه تاجری بنا به علل اقتصادی یا حتی غیراقتصادی دچار ورشکستگی شده، تمام سرمایه خود را طی ساحت‌های از دست بدهد.

آثار فقر شرایطی است که به علت بروز فقر رخ می‌دهد. روایات بسیاری آثار فقر را برشمرده‌اند. آن دسته از آثار که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عوامل اقتصادی تأثیرگذار است عبارتند از: نقص عقل و دین، ذلت و خواری، فساد اداری، ضعف عقیدتی، فقدان منزلت اجتماعی، و انزوای سیاسی. برخی از این آثار می‌توانند با نقض حقوق مالکیت، امنیت اقتصادی جامعه را مختل سازد. در ذیل، این آثار و سازوکار اثرگذاری آن تبیین می‌گردد:

۱) زمانی که فقر در جامعه‌ای پدیدار شود، علاوه بر میزان درآمد و سطح معاش اقتصادی افراد، در زمینه‌های دیگری نیز فاصله و تفاوت ایجاد می‌گردد؛ چون در یک جامعه بسیار فقیر نیز همیشه کسانی هستند که نسبت به فقرا، در رفاه و تمکن بیشتری به سر برند. افراد فقیر، به استثنای آنان که از ایمان بالایی برخوردارند و فقر را بوتۀ آزمایش الهی خویش می‌پندارند و در ازای صبر در آن، انتظار پاداش اخروی از معبود خویش دارند، به مقایسه زندگی خود با افرادی می‌پردازند که برای تأمین معاش، دغدغه چندان ندانند (یا دست‌کم به اندازه فرد فقیر دغدغه ندارند). با تداوم مقایسه‌ها، احساس محرومیت و مغبونیت درون فقرا پدیدار می‌شود. بار روانی منفی این احساس با گسترش

و طولانی شدن فقر، موجب می‌شود فقرا به زندگی تجملاتی اغنیا حسرت بخورند. در نتیجه، احساس انزجار و حسرت و عقب‌ماندگی بیشتری از جانب فقرا نسبت به غیر فقرا شکل می‌گیرد. فشار فقر و نداری، که از محیط بیرون وارد می‌شود، با چنین فشارهای روحی که از درون نشئت گرفته است، همراه شده، زندگی فردی را سخت می‌کند. این سختی‌ها موجب فاصله گرفتن طبقهٔ فقیر از طبقهٔ مرفه به لحاظ مادی و عاطفی می‌شود. آسیب‌رسانی و صدمه زدن به اموال و دارایی خصوصی افراد می‌تواند یکی از پیامدهای ایجاد حس کینه و نفرت از جانب فقرا نسبت به اغنیا باشد. بدین‌سان، حقوق مالکیت با اولین مجرای اثرگذاری از سوی فقر نقض می‌گردد.

۲) دومین مسیری که فقر به نقض حقوق مالکیت می‌انجامد، تضعیف دین‌داری است. پای‌بندی به دین موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی، جرم و جنایت می‌شود. یاد آخرت و ناظر دیدن خداوند متعال موجب می‌گردد تا افراد از نقض حقوق دیگران و از جمله حقوق مالکیت پرهیز نموده، سرقت و دزدی، کلاهبرداری، رشوه و اختلاس در جامعه کاهش یابد. خداوند در قرآن کریم، یکی از آثار فقر و تهی‌دستی را تغییر فضای تفکر بشر از مسیر درست معرفی می‌کند: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر: ۶)؛ زیرا فقر و تهی‌دستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب‌گشودن به اعتراض و گلایه نسبت به اوست. براین اساس، نبی اکرم ﷺ نیز فرموده‌اند: «فقر نزدیک به سرحد کفر است» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۰۷) و در جایی فرمودند: «فقرا بلاهای اسلامند» (صدوق، ۱۳۳۱ق، ج ۱، ص ۴۰۲)؛ زیرا فقر چنان بازتابی در زندگی فقیر دارد که در نتیجهٔ آن اعمالش دیگر مطابق آموزه‌های شرعی نیست. فقر موجب درخواست فقیر از دیگر هم‌نوعان می‌گردد، درحالی‌که روزی‌دهنده خداوند است و باید از خداوند درخواست کرد. بنابراین، فقیر به جای خداوند، دیگران را رازق می‌پندارد و گمان می‌کند دیگران می‌توانند به او روزی دهند.

حضرت علیؑ به فرزند خود، محمد حنفیه، می‌فرماید: «فرزند عزیزم! من از دیو مهیب فقر بر تو می‌ترسم؛ از او به خدا پناه ببر. فقر موجب: ۱. نقصان دین؛ ۲. پریشانی عقل؛ و ۳. ملامت است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ص ۳۱۹). منظور حضرت این نیست که فقر گناه است، بلکه فقر هلاکت و مصیبت است (همان، ح ۱۶۳) و صبوری در آن، انسان را به درجات والا می‌رساند. اما نقصان دین در دزدی، سرقت، رشوه، اختلاس و مانند آن نمودار می‌شود. فشار فقر و نداری انسان را چنان در منگنه قرار می‌دهد که در وانفسای زندگی فقیرانه و در جوار حیات متجملانهٔ دیگران، آدمی را که ایمان راسخ ندارد، به چیزی بهتر از دزدی، غارت و چپاول امر نمی‌کند (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱).

۳) حضرت علیؑ در ادامهٔ روایت و بیان اثر دوم «مدهشة للعقل» برای فقر می‌فرماید: «... زوال عقل سبب زوال زندگی است و جامعهٔ بی‌خرد را جز با مردگان نمی‌توان مقایسه کرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ح ۳۱۹)؛ یعنی فقر فکر را پریشان و دهشت‌زده می‌کند؛ زیرا در اثر احتیاج و نبود وسایل زندگی، فکر و عقل، تعادل خود را از دست می‌دهد و انسان توانایی تفکر درست ندارد. فقر هم مانند مصیبت، فکر و روح انسان را پریشان می‌کند. فرد مدام به فکر فقر و احتیاجاتش و به‌دنبال راه‌کارهای رفع آن است، و این افکار روح و خاطرش را مکدر و پریشان ساخته،

تعادل روانی‌اش در اثر فشار روحی به هم می‌خورد (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۰۳). ایشان در فرازی دیگر می‌فرمایند: «فقر و تهی‌دستی، مرد زیرک را در برهان، کند و ناتوان می‌سازد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ج ۳). بنابراین، اضطراب روحی و پریشانی فکری موجب اتخاذ تصمیمات نادرست می‌شود و در نتیجه فقیر، به کارهایی دست می‌زند که از جمله آنها، نقض حقوق مالکیت دیگران است. براین اساس، مجرای سوم اثرگذاری فقر بر حقوق مالکیت، اضطراب‌های روحی - روانی ناشی از فقر است.

۴) امیرالمؤمنین علیه السلام اثر سوم را «داعیة للمقت» خوانده‌اند؛ یعنی: فقر سبب ملامت و سرکوبی و تحقیر مردم، و در نتیجه، سبب پریشانی روح و عقده‌ای شدن انسان می‌گردد. انسان طبعاً به عزتمندی و احترام در بین دیگران نیازمند است، و چون توانایی مالی برای افراد حس عزت و احترام ایجاد می‌کند، پس در فقیر، حس خود کم‌بینی و حقارت نسبت به سایرین ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، مردم نیز به خاطر اوضاع نابسامان مالی و ظاهر آشفته زندگی وی، با چشم حقارت نگاهش می‌کنند؛ زیرا معیار عزتمندی را اوضاع مادی قرار داده‌اند. حس تحقیر اشخاص را عقده‌ای می‌کند و یا شاید مقصود عبارت این است که فقیر با مردم عداوت و خصومت پیدا خواهد کرد؛ زیرا دیگران را مسئول بدبختی خود می‌بینند. البته «داعیة للمقت» را برانگیزاننده خشم [خدا و مردم] ترجمه کرده‌اند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ج ۱۰۵).

با استفاده از روایت «انسان فقیر در شهر خود نیز غریب و بیگانه است» (همان، ج ۳). از سخن امام علی علیه السلام، استنباط می‌شود که فقر قدرت و توان برخورد‌های اجتماعی را از انسان می‌گیرد، و فقیر جرئت داد و ستد را از دست می‌دهد و به موجودی بی‌اراده تبدیل می‌شود که قدرت انجام کاری را ندارد. خود حضرت، از سنگینی و ذلت و خواری فقر به خدا پناه می‌برند و در خطبه ۲۲۵ می‌فرمایند: «پروردگارا، آبرویم را با بی‌نیازی نگاهدار و شخصیتیم را در اثر فقر ساقط مگردان، که از روزی‌خواران تو درخواست روزی کنم و از اشخاص پست خواستار عطف و بخشش باشم، تا به ستودن آن که کمکم می‌کند مبتلا گردم، و به مذمت و بدگویی از آنکه به من نمی‌بخشد آزمایش شوم، درحالی که تو در ورای همه اینها، سرپرست منی که ببخشی و یا منع کنی، و تو بر همه چیز قادری» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ج ۲۲۵). فرمایش حضرت علی علیه السلام، با صراحت بر این نکته دلالت دارد که فقر و تنگ‌دستی آبروی انسان را از بین می‌برد و موجب می‌شود حرمت او ضایع گردد. فقیر مجبور است گوهر عزت و مناعت خود را زیر پا نهد و منزلت انسانی و اجتماعی خود را نادید بگیرد.

حس حقارت و خواری نیز می‌تواند یکی از مسیرهایی تلقی شود که فقیری را که در حفظ کرامت انسانی خود هم ناموفق بوده است، به نقض حقوق مالکیت در جامعه بکشانند.

هر چهار نکته فوق به آسیب‌های اجتماعی (سرقت، فساد اداری) یا آشوب‌ها و منازعات مدنی می‌انجامد. این اعمال با ایجاد بی‌ثباتی و نبود اطمینان خاطر و ناامنی موجب مخدوش شدن حقوق مالکیت دیگران می‌شود؛ زیرا فقرا، به استثنای دسته‌ای که از مراتب بالای ایمان برخوردارند، با توجیه اینکه حق‌شان توسط گروهی پایمال شده،

ممکن است، برای گذران زندگی و تأمین نیازشان، به انواع جرم‌ها، از جمله دزدی، رشوه‌خواری، غل و غش، تقلب، خیانت به اموال عمومی یا اختلاس روی آورند. آنان، حتی اگر نیازشان برای ادامه حیات و دست‌کم زندگی تأمین باشد و از فقر نسبی رنج ببرند، برای اینکه از قافله تجمل‌طلبی و مصرف‌گرایی عقب نمانند و خود را به دسته‌ای برسانند که به زندگی‌شان رشک می‌برند، باز هم ممکن است به چنین اقداماتی روی آورند.

در جامعه‌ای که «فقر» و «فساد» دو مشخصه اصلی و بارز آن است، مردم نسبت به یکدیگر عقده‌ای، متنفر و انتقام‌جو هستند. فقرا، اغیا را مسئول بدبختی و محرومیت خویش می‌دانند. یکی برای تأمین نیازش دزدی و سرقت را انتخاب کرده، یکی دست به اختلاس و رشوه‌خواری زده، دیگری با کم‌فروشی و گران‌فروشی درصدد تأمین نیازش برآمده و هیچ‌کس به حال دیگری رحم و مروتی ندارد و حقوق مالکیت افراد نیز در پی دزدی و تجاوز به حقوق دیگران نقض خواهد شد، و اتحاد و محبت از میان مردم جامعه پرکشیده، اوضاع روز به روز وخیم‌تر می‌شود. طبیعتاً در چنین جامعه‌ای، حقوق مالکیت یکی از اولین قربانیان خواهد بود.

فقر علاوه بر جنبه فردی، بُعد اجتماعی هم دارد. آثار فقر اجتماعی از آثار فردی آن گسترده‌تر و بغرنج‌تر است. اگر فقر در بعد اجتماعی گسترش یافته و چاره‌ای برای مقابله با آن اندیشیده نشود، جامعه پر از افرادی می‌شود که برای رفع فقر و محرومیت‌شان، مرتکب هر اقدامی می‌شوند. بدین‌روی، فساد در سطح جامعه علنی و گسترده می‌شود. (فساد به این علت علنی می‌گردد که فقر حیا را از بین برده، افراد فقیر با روی باز، دست به اقداماتی می‌زنند که نه تنها بی‌قانونی به‌شمار می‌آید، بلکه در جامعه اسلامی، حکم گناه و در مراحل بالاتر، «فساد فی الارض» دارد.) گسترش فساد هم می‌تواند به نقض حقوق مالکیت دامن بزند.

نمودار ۱. کانال‌های اثرگذاری فقر بر حقوق مالکیت



بنا بر نمودار فوق، فقر از منظر اقتصاد اسلامی، از چهار مسیر: ۱. تضعیف ایمان؛ ۲. تضعیف تعقل و تدبیر؛ ۳. تضعیف عزتمندی و ایجاد حس حقارت؛ ۴. تضعیف حس دوستی و مروت و ایجاد حس کینه و عداوت، می‌تواند موجب نقض حقوق مالکیت گردد.

بررسی اثر حقوق مالکیت بر فقر

تا اینجا رابطه به صورت یک طرفه، از فقر بر نقض حقوق مالکیت، بررسی و تشریح شد. در ادامه، این رابطه از سوی دوم، یعنی آثار نقض حقوق مالکیت بر پیدایش یا افزایش فقر بررسی می‌شود:

۱) یکی از مجاری اثرگذاری نقض حقوق مالکیت بر فقر، افزایش هزینه‌های مبادله است که از چند طریق منجر به فقر می‌شود: اول، از طریق وجود مخاطرات و نااطمینانی‌ها در سرمایه‌گذاری‌ها؛ بدین گونه که در شرایط پرمخاطره اقتصادی، صاحبان سرمایه به علت افزایش احتمال از بین رفتن دارایی‌شان، اقدام به سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند مال‌التجاره خود را در جامعه‌ای سرمایه‌گذاری کنند که حقوق مالکیت آنها تضمین شده، آینده اقتصادی قابل پیش‌بینی و انواع ریسک‌های اقتصادی تا حد زیادی کنترل شده و قابل پوشش باشد. با فرار سرمایه، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و چرخ تولیدات و فعالیت‌های اقتصادی داخل از کار افتاده، متوقف می‌شود. در نتیجه، بسیاری از زمینه‌های اشتغال‌زایی از بین می‌رود یا از ابتدا شکل نمی‌گیرد، که منجر به افزایش نرخ بیکاری و کاهش و قطع درآمدان افراد می‌شود. در بلندمدت، فردی که فاقد منبع درآمد باشد یا بودجه کافی برای تأمین حداقل معاش خود و افراد تحت تکفل خود را نداشته باشد، نیازمند و فقیر خواهد شد. در شرایطی که بیکاری افزایش می‌یابد، افرادی هم که توانایی کار کردن دارند قادر به یافتن کاری که بتواند از طریق آن امرار معاش کنند نخواهند بود.

حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک / شتر، از دو منظر به حفظ حقوق مالکیت نگریسته‌اند: نخست از والی خود می‌خواهند که توجه زیادی به فعالان اقتصادی داشته باشد؛ زیرا اگر کار اینان رونق بگیرد، کار مردم نیز رونق می‌گیرد. تجار و بازرگانان برای بقا و استمرار فعالیت خویش، طالب صلح و امنیت و ثبات‌اند. حضرت علی علیه السلام سفارش می‌فرماید که محیط مناسب برای کسب و کار این قشر فراهم شود و محیط مناسب کسب و کار — یعنی: ایجاد امنیت، حمایت از حقوق مالکیت، حفظ ثبات و آرامش در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و فضای مناسب تجارت — ایجاد شود و تجارت رونق بگیرد تا کار عامه مردم رونق پیدا کند و فقر و کساد از بین برود. بدین روی، اگر حقوق مالکیت و امنیت شغلی فراهم شود، هم کار تجار و بازرگانان و هم معاش دیگر مردم تأمین می‌گردد.

به عبارت دیگر، کاهش هزینه‌های مبادله و بهبود فضای کسب و کار، که به حفظ حقوق مالکیت وابسته است، بر رونق اقتصادی جامعه و رفع فقر اثرگذار است، و این اولین گام اثرگذاری حفظ حقوق مالکیت بر فقر است که در کلام آن حضرت آمده است. از این رو، حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک / شتر می‌فرماید: «سپس سفارش مرا نسبت به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن؛ بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن هستند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند؛ زیرا آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دوردست و دشوار هستند؛ از بیابان‌ها و دریاها و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند یا برای رفتن به آنجاها شجاعت

ندارند. بازرگانان مردمی آرامند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت؛ مردمی آشتی‌طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، نامه ۵۳).

منظر دیگری از حفظ حقوق مالکیت، که در نامه آن حضرت آمده، رفتارهای برخی فعالان اقتصادی برای تحمیل قیمت بر مصرف‌کنندگان از طریق انحصار، تبانی و توافقات جمعی بر قیمت است؛ چیزی که در دنیای سنتی بیشتر در شکل احتکار و توافقات بر قیمت توسط فروشندگان محدود کالا شکل می‌گرفت. گران‌فروشی، کم‌فروشی و احتکار در حقیقت، نوعی نقض حقوق مالکیت خریدار توسط فروشنده از طریق افزایش هزینه‌های مبادله است. از این‌رو، نظارت بر بازار برای حفظ حقوق مالکیت مصرف‌کنندگان از وظایف دولت‌های اسلامی است. بر این اساس، در ادامه سخنان گذشته، آن حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکار کننده‌اند، که تنها با زورگویی، به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند، می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار و عیب‌بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن جلوگیری می‌کردند. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و مطابق موازین عدالت انجام بگیرد؛ با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند. کسی را که پس از منع تو احتکار کند، کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن» (همان).

بنابراین امام علیه السلام از دو طرف به کاهش هزینه‌های مبادله، در نتیجه حفظ حقوق مالکیت توجه می‌کنند:

نخست؛ تضمین حقوق مالکیت فعالان اقتصادی و تلاش برای حفظ امنیت آنان؛

دوم؛ حفظ حقوق مصرف‌کنندگان و تلاش برای اجتناب از تحمیل قیمت و کاهش رفاه آنان.

بدین‌روی، به همان اندازه که به حمایت از این قشر برای رونق معاش آحاد مردم توصیه می‌کنند، به نظارت و جلوگیری از تحمیل زیان‌هایی از جانب ایشان علیه شهروندان هشدار داده، جلوگیری می‌کنند.

پس مجرای اثرگذاری حقوق مالکیت بر فقر، که از نامه حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک/اشتر استخراج می‌شود، همان افزایش هزینه‌های مبادله در جامعه است؛ یعنی اول؛ باید با تضمین حقوق مالکیت، فضای مناسب کسب و کار برای فعالان اقتصادی فراهم شود تا با افزایش نرخ اشتغال، از بروز فقر جلوگیری گردد. دوم؛ با بازرسی و نظارت‌های مناسب، از نقض حقوق مصرف‌کنندگان توسط فروشنده‌ها جلوگیری گردد.

۲. در بازار کار، منطبق پرداخت دستمزد $PMP_l = W$ است؛ یعنی باید ارزش بهره‌وری با دستمزد پرداختی به نیروی کار برابر باشد. حال اگر در اقتصاد وضعیتی رخ دهد که $PMP_l > W$ شود، یعنی: پرداخت حقوق به صورت عادلانه صورت نگرفته، بهره‌وری حاصل از نیروی کار از هزینه‌ای که بنگاه برای آن می‌پردازد، بیشتر است (هندرسن و کوانت، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳). در اینجا، کارفرما و بنگاه‌دار حقوق نیروی کار را نقض کرده و با امتناع از پرداخت دستمزد عادلانه، که شرایط بهینه بازار کار نیز هست،

ایجادکننده فقر برای کارگران می‌شود. گاهی نیز ممکن است دولت در پرداخت کافی یا به موقع دستمزد به پیمان‌کاران، کارمندان و مستمری‌بگیران خود (مهر ۱۳۹۵، دی ۱۳۹۵، شهریور ۱۳۹۶) تأخیر ورزد و موجب اختلال در روند کسب درآمد افراد گردد. چنین شرایطی در دهه اخیر و سال‌های گذشته در ایران پیدا شد (مانند پرداخت نکردن حقوق کارگران عسلویه، داماش، بلبرینگ‌سازی تبریز، نیشکر هفت‌تپه، کارگران کارخانه‌های واریان لوشان، زغال سنگ طزره، کارگران معدن طلای ایران، سنگ آهن بافق و مانند آن) (خبرگزاری ایلنا، آرشو ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، بهتر است از طریق دخالت اصناف یا اتحادیه‌های کارگری، حقوق مالکیت نقض شده نیروی کار احیا گردد تا از بروز فقر جلوگیری شود. بدین‌روی، دومین مسیری که از طریق نقض حقوق مالکیت موجب بروز فقر می‌شود، پرداخت نکردن حقوق و دستمزد افراد است.

۳. سومین مجرای اثرگذاری مربوط به اعتبار و وثوق دارایی‌های افراد است. به‌طورکلی، زمانی که حقوق مالکیت تعریف شده وجود داشته باشد و مالکیت مادی و معنوی افراد در برابر مخاطرات حفظ و تضمین گردد، انگیزه و اعتماد حاصل می‌شود و همین منجر به افزایش تجارت و تولید و کاهش بیکاری و فقر خواهد شد. حمایت دارایی افراد در برابر تهدیدهای اقتصادی، مانند چپاول، غارت، غصب، مالیات ناعادلانه و مانند آن، موجب حفظ دارایی‌هایی می‌شود که ثروت مردم تلقی شده، نبودشان منجر به فقر خواهد شد.

خداوند در آیات متعددی از قرآن، بارها بر احترام حق افراد و تضمین حقوق مالکیت تأکید کرده است: «ای قوم! پیمان‌ها را پر بدهید و ترازو را درست بکشید: «يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ.» (هود: ۸۵). در این آیه، به اعطای کامل کیل و وزن، که اسباب معاملات آن دوره بوده، سفارش شده است. مبادله، لازمه زندگی اجتماعی است و انسان از این طریق، احتیاج خویش را تأمین نموده، تعاون در شئون زندگی افراد شکل می‌گیرد. حال اگر در معامله‌ای از راه نقص می‌کیال و میزان، به کسی خیانتی شود و خود ملتفت نگردد، تدبیر او در زندگی‌اش تپاه و اندازه‌گیری‌اش باطل می‌شود و با این خیانت، نظام معیشت او از دو جهت مختل می‌گردد: یکی از جهت آن کالایی که می‌خرد تا نیاز زندگی‌اش را تأمین کند، و دیگری از جهت آنچه به‌عنوان بها می‌پردازد. در جهت اول، احتیاجش آن‌گونه که باید برآورده نمی‌شود، و در جهت دوم، پولی بیش از آنچه گرفته است، می‌پردازد؛ پول زایدی که در به دست آوردنش تلاش‌ها کرده و خود را خسته ساخته است. در نتیجه، دیگر نمی‌تواند به درستی نظر و حسن تدبیر خود اعتماد کند، و در مسیر زندگی دچار خبط و سرگیجه می‌شود، و این خود فساد است.

حال اگر این فساد از یک تن و دو تن تجاوز کرده، در کل افراد شیوع یابد فساد در جامعه رواج یافته، چیزی نمی‌گذرد که وثوق و اعتماد به یکدیگر را از دست داده، امنیت عمومی از آن جامعه رخت برمی‌بندد و این خود نکستی است عمومی که صالح و طالح (غیرصالح)، و کم‌فروش و غیر کم‌فروش را دربر می‌گیرد و

اجتماعشان براساس نیرنگ و فساد حیات اداره می‌شود، نه بر اساس تعاون و برای تحصیل سعادت (طباطبائی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۵۵۱-۵۵۵).

خداوند می‌فرماید: «وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید»؛ «أَنْ لَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۸-۹). و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و چون پیمانانه می‌کنید، پیمانانه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید، که این بهتر و خوش فرجام‌تر است»؛ «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء: ۳۵). «منظور از کلمه «میزان» در آیه، صرفاً ترازوهای معمولی است که سنگینی و وزن را با آن می‌سنجند. کلمه «قسط» به معنای «عدل» آورده شده است. کلمه «اخصار» در خصوص سنجیدن، به معنای «کم فروختن و زیاد خریدن» است؛ به نحوی که - به ترتیب - باعث خسارت خریدار یا فروشنده شود. اگر مردم به این دو وظیفه عمل کنند؛ یعنی کم نفروشند و زیاد نخرند، رشد و استقامت در تقدیر معیشت را رعایت کرده‌اند؛ زیرا قوام معیشت مردم در استفاده از اجناس ضروری، بر دو اصل اساسی مبتنی است: یکی به‌دست آوردن جنس مرغوب و سالم؛ و دوم مبادله مقدار زاید بر حاجت با اجناس دیگری که لازم است.

این از آن روست که هر کس در زندگی خود، حساب و اندازه‌گیری دارد که به چه مقدار از چه چیزی نیاز دارد و چه چیزهایی بیش از نیاز او است؛ چه مقدار از آن را باید بفروشد و با قیمت آن اجناس ضروری دیگر خود را تحصیل کند، و اگر پای کم‌فروشی به میان آید حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلاف پیدا کرده، امنیت عمومی از میان می‌رود.

اما اگر کیل و وزن عادلانه جریان یابد، زندگی و اقتصاد مردم رشد و استقامت یافته، هر کس هر چه را احتیاج دارد، به همان مقدار نیازش به دست می‌آورد، و علاوه بر آن، نسبت به همه سوداگران وثوق پیدا کرده، امنیت عمومی برقرار می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۱، ج ۱۳، ص ۳۷۱).

خداوند در آیات بسیاری، مشابه آیات فوق، مستقیماً در خصوص رعایت عدالت در مبادله اجناس و کالاهای مکیل و موزون امر فرموده است. آنچه میان تمام آیات مذکور مشترک است تأکید به احترام و حفظ حقوق مالکیت افراد است (با مصادیق آن منع کم‌فروشی، گران‌فروشی، غش، خسران و مانند آن)؛ زیرا نتیجه عمل به این دو تأکید، جامعه‌ای سالم و مفید و حفظ امنیت و تداوم مبادلات و رونق اقتصاد است. در غیر این صورت، ظلم و فساد فراگیر شده، امنیت جامعه نیز مختل خواهد شد.

خلاصه سازوکار مذکور در نمودار ذیل نیز ترسیم شده است که طبق آن، نقض حقوق مالکیت بر اساس متون دینی و مستندات ادبیات اقتصاد اسلامی، از سه مجرای: ۱. افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری و تولید؛ ۲. افزایش هزینه‌های مبادله، مانند کم‌فروشی و گران‌فروشی؛ ۳. نپرداختن مزد، به کاهش رفاه و یا افزایش فقر در جامعه منجر می‌شود.

نمودار ۲. کانال‌های اثرگذاری حقوق مالکیت بر فقر



با استناد به دلایل مزبور، در چارچوب نظری، امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی دارای رابطه دوسویه و متقابل هستند و در نتیجه این ارتباط دو شاخص فقر مطلق و حقوق مالکیت نیز دارای رابطه دوسویه و متقابل هستند. در بخش بعدی، به آزمون تجربی این رابطه در اقتصاد ایران اشاره شده است.

روش پژوهش

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به آنچه از ادبیات اقتصاد اسلامی استخراج شده است، فرضیه ذیل برای تحقیق عنوان گشت: شاخص‌های حقوق مالکیت و فقر مطلق در بازه زمانی در نظر گرفته شده برای اقتصاد ایران، دارای رابطه مستقیم و متقابل هستند.

داده‌ها

برای آزمون تجربی داده‌های سری زمانی از جامعه آماری بازه زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ تهیه و گردآوری شده است. متغیرهای مستقل الگو عبارتند از: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)؛ کسری بودجه (Bj)؛ ضریب جینی (Gini) به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده نابرابری در توزیع درآمد کشور؛ و ریسک تأمین مالی دولت (RF). ریسک تأمین مالی جزء لاینفک فعالیت‌های اقتصادی، هم در آغاز و هم در ادامه روند محسوب می‌شود. این یکی از انواع

ریسک اقتصادی بوده، به ناتوانایی در پرداخت تعهدات برمی‌گردد. در واقع، اگر ذخیرهٔ وجه نقد کافی نباشد، ممکن است در شرایط سقوط ارزش بازار، نیاز به پرداخت وجه نقد وجود داشته باشد که منجر به نقد کردن اجباری «پرتفو» در قیمت پایین می‌شود (رسولی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۷) و عبارت است از:

$$Rf = \frac{t \text{ اوراق دولتی خریداری شده توسط بخش خصوصی در سال } t}{\text{کل اوراق دولتی منتشر شده در سال } t}$$

این آمار از میان اوراق مشارکت دولتی به منظور اجرای سیاست مالی انتخاب شده‌اند؛ زیرا تنها این اوراق برای تأمین کسری بودجهٔ دولتی طی سال‌های تحت بررسی بوده‌اند. این شاخص نشانگر میزان اعتماد و اطمینان مردم به دولت در قبال انجام تعهدات خویش است و زمانی که میزان آن بالا باشد، ریسک تأمین نقدینگی دولت پایین خواهد بود؛ یعنی مردم برای خرید اوراق دولتی تردید و نگرانی ندارند و به سادگی به دولت اعتماد می‌کنند. به بیان دیگر، درجهٔ بالای این ریسک بیان‌گر موفقیت دولت در حمایت از حقوق مالکیت در جامعه است.

متغیرهای وابسته الگو عبارتند از: شاخص فقر مطلق سن (Sen Poverty)؛ و حقوق مالکیت (PR) که به صورت ذیل تعریف شده‌اند:

$$PR = \frac{M_2 - M_1}{M_2} \text{ معادله ۲}$$

این شاخص - در واقع - همان شاخص «CIM» است که نسبت شبه پول ($M_2 - M_1$) به نقدینگی (M_2) را نشان می‌دهد. این شاخص معروف‌ترین و معمول‌ترین شاخص حقوق مالکیت است که هم مبتنی بر داده‌های سری زمانی است و هم در تحقیقات علمی و جهانی وسیعی از آن استفاده شده است (کیفر و همکاران، ۱۹۹۹). «CIM» یا «شاخص اعتماد به قراردادها»، میزان دارایی‌هایی است که در چارچوب محیط قانونی و اقتصادی موجود (یک کشور خاص)، بر روی آن قراردادهای بلندمدت (و در نتیجه، حقوق مالکیت) منعقد می‌گردد.

بدین لحاظ، تقاضا برای «CIM» اطمینان به تضمین و اجرای قراردادها (قوانین، مقررات، نحوهٔ نظارت بر آن، احترام دولت به قراردادهای بخش خصوصی مانند آن) از سوی چارچوب نهادی جامعه را انعکاس می‌دهد؛ زیرا ضعف حقوق مالکیت موجب می‌شود افراد به روش‌ها و ابزارهای غیررسمی برای تعریف و حفاظت از حقوق مالکیت خود روی آورند، که خود به گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی می‌انجامد (همان).

«CIM» نمایندهٔ ثبات یا بی‌ثباتی نهادی جامعه نیز هست. چنانچه اطمینان و ثبات در محیط نهادی حاکم باشد، انتظار می‌رود با توسعه و پیشرفت جوامع، تقاضا برای CIM افزایش یابد.

زمانی که افراد دارایی خود را تحت عنوان شبه پول نزد سیستم بانکی سپرده‌گذاری می‌کنند به حفظ، تضمین و ثبات آن توسط بانک و نهاد دولت اعتماد دارند. پس در چنین شرایطی، از حقوق مالکیت به بهترین شکل حمایت شده است.

آزمون فرضیه

آزمون فرضیه بررسی وجود رابطه متقابل و مستقیم میان حقوق مالکیت و فقر مطلق است. از این رو، معادلات ذیل برای تخمین این رابطه و نوع آن است:

$$Po_t = b_{10} - b_{12}Pr_t + \gamma_{11}Po_{t-1} + \gamma_{12}Pr_{t-1} + \beta_{12}Bj_t + \beta_{13}Pi_t + \beta_{14}RF_t \quad \text{معادله ۳}$$

$$Pr_t = b_{20} - b_{21}Po_t + \gamma_{21}Pr_{t-1} + \gamma_{22}Po_{t-1} + \beta_{22}Bj_t + \beta_{23}Pi_t + \beta_{24}RF_t \quad \text{معادله ۴}$$

در این تحقیق، به منظور بررسی رابطه پویای حقوق مالکیت و فقر مطلق و انجام «آزمون علیت گرنجر»، از الگوی «خودرگرسیون برداری» استفاده می‌شود. این الگو - در واقع - یک نوع ارتباط خطی بین متغیر وابسته و وقفه‌هایی از تمام متغیرهای حاضر در نظام معادلات است. این روش معمولاً به منظور پیش‌بینی الگوی سری زمانی خودهمبسته و تحلیل پویای اثر، پویای اختلال تصادفی بر الگو، مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش «VAR» از طریق درون‌زا فرض نمودن همه متغیرهای الگو و تابع قرار دادن آنها از مقادیر با وقفه تمام متغیرهای درون‌زای الگو، از الگوسازی ساختاری اجتناب می‌ورزد.

در الگوی «VAR»، مقادیر جاری یک متغیر برحسب مقادیر گذشته آن متغیر و سایر متغیرها نوشته می‌شود. تصریح الگوی خودرگرسیون برداری با حداقل اتکا به نظریه تعیین می‌شود. در این الگو، کافی است متغیرهای خاص در سیستم (بر اساس تحلیل روابط اقتصادی) تعیین شده و تعداد وقفه‌ها نیز مشخص گردد؛ سپس به سادگی بین همه متغیرهای حاضر در سیستم، یک رابطه تعادلی برقرار می‌شود. در الگوهای خودرگرسیون برداری به سبب آنکه همبستگی خطی بین متغیرهای سمت راست محتمل است، منجر به هم‌خطی شدید می‌شود. بدین روی، نمی‌توان از معیار تابع آزمون کننده t برای تک‌تک ضرایب، به منظور کوچک کردن الگو استفاده کرد (بالتاجی، ۱۳۹۱، ص ۵۹۳).

برای تخمین مناسب و هم‌زمان روابط در الگو، باید تمام متغیرها مانا باشند؛ یعنی هر متغیر استفاده شده باید هم‌انباشته از مرتبه صفر باشد (گجراتی، ۱۳۷۸، ص ۹۱۹). متغیرهای مانا دارای یک مقدار تعادلی با یک روند تعادلی هستند که در طول زمان، به سمت آن حرکت می‌کنند. برای الگوهای VAR می‌توان چنین تعادلی را توصیف نمود. اگر متغیرهای الگو، مانا باشند آنگاه برای آنها وضعیت تعادلی وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، متغیرها نامانا خواهند بود (سوری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳۰). برای بررسی مانایی متغیرهای الگو، آزمون «ریشه واحد دیکی فولر» را اعمال می‌کنیم. نتایج این آزمون در جدول ذیل ارائه شده است. طبق آزمون ریشه واحد، روند متغیرها از یک فرایند مانا تبعیت می‌کنند.

جدول ۱. نتایج آزمون مانایی

نتایج آزمون مانایی و ریشه واحد			متغیر
نتیجه آزمون	احتمال	آماره t	
I(0)	۱.۰۰۰۰	۴.۰۴۹۳۵۲	کسری بودجه
I(0)	۰.۹۲۴۶	-۰.۲۲۵۷۳۶	شاخص بهای مصرف کننده
I(0)	۰.۹۷۰۳	۰.۲۳۴۱۳۲	ضریب جینی
I(0)	۰.۹۹۹۸	۱.۹۷۷۱۰۴	حقوق مالکیت
I(0)	۰.۱۹۵۶	-۲.۲۶۰۱۴۵	فقر مطلق سن
I(0)	۰.۱۴۳۷	-۲.۴۱۸۸۷۱	ریسک تأمین مالی

در تخمین الگوهای VAR و آزمون علیت گرنجر، به منظور دستیابی به طول وقفه بهینه سیستم، ابتدا سیستم VAR با وقفه‌های متفاوت تخمین زده شد. سپس بر مبنای معیار شوارتز (Sc)، طول وقفه K=2 که به ازای آن، سیستم کمترین مقدار Sc را داشت، به عنوان طول وقفه بهینه انتخاب شد.

جدول ۲. تعیین وقفه بهینه الگو

معیار طول وقفه	LogL	LR	FPE	آکانیک	شوارتز	هنان-کونین
۰	-۴۳۸۸۴۰۶	NA	۱۵۴۰+۱۲	۴۵۰۰۸۴۰۶	۴۵۰۶۸۱۵۰	۴۵۰۲۰۰۶۸
۱	-۳۱۲۸۴۱۸	۱۵۱.۱۹۸۶	۲۵۱۰+۰۸	۳۶۰۸۴۱۸	۳۸.۴۷۳۹۳	۳۶.۵۵۰۶۸
۲	-۱۸۳.۵۳۹۴	۷۷.۵۸۱۴۰*	۱۲۴۷۷۷.۵*	۳۶.۷۵۳۹۴*	۳۰.۹۳۶۰۲*	۲۷.۵۷۰۳۳*

پس معادلات ۳ و ۴ با ایجاد وقفه‌ای به طول ۲، به شکل ذیل تغییر می‌کنند:

معادله ۵:

$$PR = C(1,1)*PR(-1) + C(1,2)*PR(-2) + C(1,3)*SEN(-1) + C(1,4)*SEN(-2) + C(1,5)*RF(-1) + C(1,6)*RF(-2) + C(1,7)*CPI(-1) + C(1,8)*CPI(-2) + C(1,9)*BJ(-1) + C(1,10)*BJ(-2) + C(1,11)*CPI(-1)^2 + C(1,12)*CPI(-2)^2 + C(1,13) + C(1,14)*GINI$$

معادله ۶:

$$SEN = C(2,1)*PR(-1) + C(2,2)*PR(-2) + C(2,3)*SEN(-1) + C(2,4)*SEN(-2) + C(2,5)*RF(-1) + C(2,6)*RF(-2) + C(2,7)*CPI(-1) + C(2,8)*CPI(-2) + C(2,9)*BJ(-1) + C(2,10)*BJ(-2) + C(2,11)*CPI(-1)^2 + C(2,12)*CPI(-2)^2 + C(2,13) + C(2,14)*GINI$$

پس از تخمین سیستم VAR، تحلیل‌های «تجزیه واریانس» و «تابع واکنش» تحریک انجام می‌گیرد. تجزیه واریانس، روشی برای بررسی پویایی الگوی VAR است. این روش، تغییرات متغیرهای وابسته را به علت شوک‌های وارد بر آن متغیر در مقابل شوک‌های وارد بر سایر متغیرها بررسی می‌کند (سوری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲۸).

«تابع واکنش» بیانگر آن است که هر یک از متغیرهای الگوی VAR چگونه به شوک‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد. شوک‌ها شامل تغییرات تصادفی است که وارد الگو می‌شوند. هر شوکی که به یک متغیر وارد شود، سایر متغیرها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ص ۱۰۲۳).

در آزمون علیت گرنجر بررسی می‌شود که «آیا Y_1 سبب تغییر Y_2 می‌شود؟». اگر جواب مثبت باشد آن‌گاه باید ضرایب وقفه‌های Y_1 در معادله Y_2 معنادار شود. همین استدلال را برای تأثیر Y_2 بر Y_1 می‌توان به کار برد. اگر ضرائب برای هر دو معنادار باشند، آن‌گاه گفته می‌شود: رابطه علی دوطرفه برقرار است (همان، ص ۱۰۲۱). گرنجر رابطه علیت را بر اساس رابطه بین مقادیر جاری یک متغیر با مقادیر گذشته متغیر دیگر بررسی می‌کند. چنین رابطه‌ای لزوماً نشان نمی‌دهد که تغییرات یک متغیر علت تغییرات سایر متغیرهاست (همان).

یافته‌های تحقیق

جدول ۳ نتایج تخمین معادلات ۵ و ۶ را به منظور آزمون فرضیه تحقیق نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشخص است، ضریب شاخص فقر مطلق تخمین زده شده، مثبت و از لحاظ آماری معنادار است. همچنین آماره F به لحاظ آماری معنادار است. این شواهد نشان می‌دهد که افزایش فقر مطلق با تضعیف حقوق مالکیت ارتباط مستقیم دارد و در نتیجه، فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

جدول ۲ نتایج تخمین الگوی VAR را در زمانی که حقوق مالکیت متغیر وابسته است، و جدول ۳ نتایج تخمین الگوی VAR را زمانی که فقر مطلق متغیر وابسته است، گزارش می‌کنند.

جدول ۳. نتایج تخمین معادله اول VAR

$$Pr_t = b_{20} - b_{21}Po_t + \gamma_{21}Pr_{t-1} + \gamma_{22}Po_{t-1} + \beta_{22}Bj_t + \beta_{23}Pi_t + \beta_{24}RF_t$$

R^2	آماره t	آماره F	ضریب	
۰.۹۹۱۱۷۸	۲.۹۵۳۷۴	۱۶۵.۲۰۷۵	۰.۲۷۰۱۶۹	فقر مطلق دوره قبل (SEN-1)
۰.۹۹۱۱۷۸	۲.۴۵۶۲۹	۱۶۵.۲۰۷۵	۰.۲۵۸۶۴۶	فقر مطلق ۲ دوره قبل (SEN-2)
۰.۹۹۱۱۷۸	۰.۶۶۴۴۹	۱۶۵.۲۰۷۵	۰.۷۰۸۰۷۱	عرض از مبدأ (C)

جدول ۴. نتایج تخمین معادله دوم VAR

$$Po_t = b_{10} - b_{12}Pr_t + \gamma_{11}Po_{t-1} + \gamma_{12}Pr_{t-1} + \beta_{12}Bj_t + \beta_{13}Pi_t + \beta_{14}RF_t$$

R^2	آماره t	آماره F	ضریب	
۰.۴۹۲۹۱۳	-۰.۲۶۵۶۰	۲.۴۲۰۶۸۳	-۰.۳۱۹۲۳۹	حقوق مالکیت دوره قبل (PR-1)
۰.۴۹۲۹۱۳	۰.۰۶۵۶۰	۲.۴۲۰۶۸۳	-۰.۰۸۰۶۸۸	حقوق مالکیت ۲ دوره قبل (PR-2)
۰.۴۹۲۹۱۳	۰.۶۶۴۴۹	۲.۴۲۰۶۸۳	۰.۷۰۸۰۷۱	عرض از مبدأ (C)

طبق شواهد، جدول ۴ ضریب حقوق مالکیت، علامت منفی دارد که حاکی از وجود رابطه معکوس بین افزایش فقر مطلق و تضمین حقوق مالکیت است. \bar{R}^2 الگو اول عددی بسیار مقبول به دست آمده که نشان می‌دهد ۹۹ درصد تغییرات فقر مطلق توسط شاخص حقوق مالکیت توضیح داده می‌شود. همچنین \bar{R}^2 در الگوی دوم نیز عنوان می‌کند که قریب ۵۰ درصد از تغییرات حقوق مالکیت توسط شاخص فقر مطلق توضیح داده می‌شود. این مقدار بالا از توضیح‌دهندگی الگو حاکی از پذیرش آماره F در سطحی معنا است.

جدول ۵. نتایج آزمون علیت گرنجر

احتمال	آماره F	
۰.۱۳۵۹	۲.۲۸۶۳۱	حقوق مالکیت علیت گرنجر برای فقر مطلق نیست
۰.۱۹۸۶	۱.۸۰۳۷۱	فقر مطلق علیت گرنجر برای حقوق مالکیت نیست

در جدول ۵، این فرضیه، که حقوق مالکیت علیت گرنجر فقر نیست، آزمون می‌شود. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، آماره F برای هیچ‌یک از دو فرضیه، صفر در سطح معنادار و مقبول قرار نمی‌گیرد. در نتیجه، طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳، حقوق مالکیت و فقر مطلق هیچ‌گونه رابطه علی - معلولی با یکدیگر نداشته‌اند.

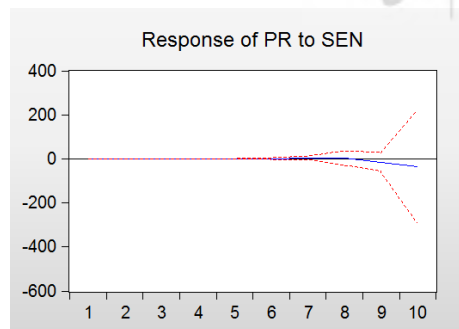
به منظور کسب بینش بیشتر نسبت به یافته‌های الگوی VAR، آزمون‌های اضافی «تجزیه واریانس» و «تابع واکنش» تکانه نیز انجام شده است. جدول ۶ نتایج تجزیه واریانس را بیان می‌کند. طبق این نتایج، بخشی از تغییرات فقر مطلق ناشی از شوک‌ها، در شاخص حقوق مالکیت توضیح داده می‌شوند. تا سطح وقفه دهم قریب ۱۷ درصد از تغییرات فقر توسط شوک‌های حقوق مالکیت توضیح داده می‌شوند. از سوی دیگر، شوک‌های ایجاد شده در فقر مطلق، از توانایی بالایی توضیح‌دهندگی برخوردار نیستند. در سطح وقفه اول، هیچ بخشی از تغییرات حقوق مالکیت توسط شوک‌های ایجاد شده در فقر مطلق توضیح داده نشده، و در وقفه دهم، قریب ۲۵ درصد از تغییرات ایجاد شده توسط تکانه‌ها توضیح داده می‌شوند.

جدول ۶ تجزیه واریانس

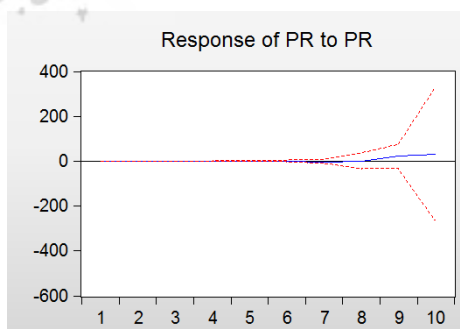
درصد تغییرات توضیح داده شده در فقر مطلق (SEN)		درصد تغییرات توضیح داده شده در حقوق مالکیت (PR)		وقفه‌ها
توسط تکانه‌های ایجاد شده		توسط تکانه‌های ایجاد شده		
SEN	PR	SEN	PR	
۶۲.۹۱۴۵۷	۳۷.۰۸۵۴۳	۰.۰۰۰۰۰۰	۱۰۰.۰۰۰۰۰	۱
۴۱.۷۳۱۵۹	۳۴.۲۱۲۹۱	۱۶.۷۸۶۲۸	۱۵.۷۳۱۸۶	۲
۲۱.۴۳۰۸۵	۱۵.۳۸۴۸۲	۲۰.۹۸۲۹۲	۲۴.۶۸۲۸۷	۵
۹.۰۹۳۰۴۷	۱۷.۸۳۵۷۶	۲۴.۹۳۴۳۴	۲۴.۴۹۰۰۹	۱۰

شکل ۱ نتایج حاصل از تابع «واکنش تکانه» را نشان می‌دهد. این نتایج تأیید یافته‌های آزمون‌های قبل است. نمودار (الف) نشان‌دهنده اهمیت تأثیرات تضمین حقوق مالکیت در دوره‌های آتی آن است. همچنین نمودار (د) نشان می‌دهد که فقر مطلق تأثیر مهمی بر ادامه روند فقر می‌گذارد. دو نمودار (ب) و (ج) نیز حاکی از تأثیرات چشمگیر شوک‌ها بر واکنش دو شاخص اصلی الگو هستند. در همه نمودارها، مشخص است که تأثیرات اصلی قوی شوک‌ها معمولاً از دوره ۶، ۷ یا ۸ شروع می‌شود.

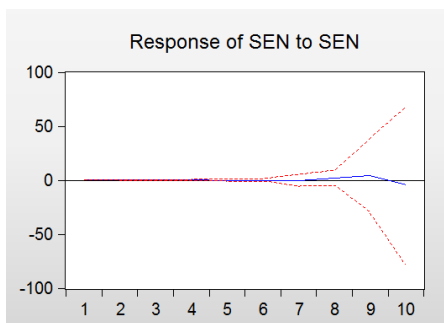
شکل ۱. تابع واکنش تکانه



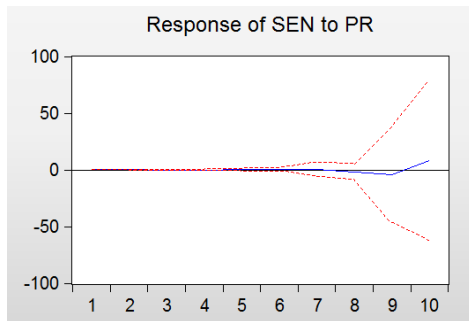
نمودار (ب)



نمودار (الف)



نمودار (د)



نمودار (ج)

نتیجه گیری

«فقر» و «حقوق مالکیت» دو مفهومی است که در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار^{علیهم السلام} مکرراً بر آنها تأکید شده است. در آیات و روایات بسیار، از یک سو، فقر نکوهش شده و به فقرزدایی سفارش گردیده و از سوی دیگر، بر حفظ حقوق مالکیت تأکید شده است. اهمیت این دو مقوله وقتی دوچندان می‌شود که به رابطه میان آنها پی برده شود. زمانی که درمی‌یابیم بروز فقر و تشدید آن موجبات تعدی به حقوق افراد را فراهم می‌آورد. نقض حقوق مالکیت و غصب حق افراد فقر و نداری برای ایشان ایجاد می‌کند. این رابطه، هم در آیات و روایات منقول در مقاله و هم در الگو برآورد شده نشان داده شد.

نتایج به‌دست آمده از الگوی تخمین زده شده، حاکی از وجود رابطه متقابل میان شاخص فقر مطلق و شاخص حقوق مالکیت در بازه زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ است؛ یعنی کاهش فقر مطلق موجب تضمین و حمایت از حقوق مالکیت افراد شده؛ همان‌گونه که احترام به حقوق مالکیت اقتصادی منجر به کاهش فقر گردیده است. عکس این رابطه متقابل نیز صحیح و صادق است؛ یعنی افزایش فقر مطلق موجب تعدی و تجاوز به حقوق اقتصادی افراد می‌گردد. همچنین عدم تعریف و شفافیت «حقوق مالکیت» منجر به افزایش و تشدید فقر مطلق می‌شود.

- نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمهٔ محمد دشتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بالتاجی، بدی، ۱۳۹۱، *اقتصاد سنجی*، ترجمهٔ رضا طالب‌لو و شعله باقری، تهران، نشر نی.
- بانک مرکزی، ۱۳۹۲، *گزارش اقتصادی و ترازنامه: خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان*، تهران.
- بدری، کمرالدین و ندا گرشاسی‌نیا، ۱۳۹۱، «نقش حقوق مالکیت فکری در نوآوری کشورهای در حال توسعه»، *رشد فناوری*، ش ۳۰، ص ۵۱-۵۶.
- حسن‌زاده، علی، ۱۳۹۶، «بررسی عوامل مؤثر بر فقر (مطالعه موردی ایران)»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۴ و ۵، ص ۱۳۵-۱۸۳.
- حسینی، سیدمحمدرضا و عبدالمجید محمدی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲، «تأثیر حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (زمینه‌ها و موانع)»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، ش ۲، ص ۱۶۳-۱۸۴.
- حکمتی فرید، صمد و دیمین خزالی، ۱۳۹۵، «اثر بهبود فضای کسب و کار و رعایت حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط بالا»، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ش ۲۲، ص ۱۱۹-۱۳۰.
- خالدی، کوهسار و همکاران، ۱۳۸۷، «مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۳۵، ص ۲۰۵-۲۲۸.
- خدایپرست مشهدی، مهدی و همکاران، ۱۳۸۸، «تأثیر حمایت از تأمین حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی»، *اقتصاد مقداری*، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۲۳.
- خداداد کاشی، فرهاد و همکاران، ۱۳۸۱، *اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر ۱۳۶۳-۱۳۶۴*، تهران، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.
- خلیلی عراقی، سیدمنصور و یزدان گودرزی فراهانی، ۱۳۹۲، «تأثیر حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۴، ص ۱-۲۷.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، چ سوم، تهران، سمت.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- رجائی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۸۱، «حقوق مالکیت و راهبردهای تثبیت آن»، *معرفت*، ش ۵۳، ص ۳۱-۴۱.
- رسولی‌زاده، علی، ۱۳۸۴، *پیش‌بینی و مدیریت ریسک در بورس اوراق بهادار تهران*، تهران، بنیاد توسعه فردا.
- رنانی، محسن، ۱۳۷۶، *بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*، چ دوم، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سوری، علی، ۱۳۹۲، *اقتصاد سنجی پیشرفته: همراه با کاربرد Eviews8 و stata12*، تهران، فرهنگ‌شناسی.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و سارا ساری‌گل، ۱۳۹۱، «تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نابرابری درآمد در کشورهای منطقه منا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه همدان.
- _____، ۱۳۹۴، «تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته منتخب»، *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ش ۱، ص ۶۳-۸۲.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۷۵، *اقتصادنا*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- _____، ۱۳۵۰، *اقتصاد ما*، ترجمهٔ محمدکاظم موسوی، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمدین علی، ۱۳۳۱ق، *معانی الاخبار*، ترجمهٔ عبدالعلی محمدی شاهروی، قم، دارالمکتب الاسلامیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۱ق، *تفسیر المیزان*، قم، اسماعیلیان.
- عرب مازار، عباس و سیدمرتضی حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳، «عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۱، ص ۶۷-۹۴.

- علی‌صمدی، حسین و همکاران، ۱۳۸۹، «مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی»، *حقوق*، ش ۱۲، ص ۱۸۳-۲۰۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۸، *اموال و مالکیت*، چ دوم، تهران، دادگستر.
- کریمی، محمدمهدی و محمد پورمند، ۱۳۸۰، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۹۲، *اصول کافی*، اصفهان، دفتر مطالعات و تاریخ معارف اسلامی.
- گجراتی، دامودار، ۱۳۷۸، *مبانی اقتصاد سنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، *چارچوب مفهومی حقوق مالکیت از منظر اقتصادی*، تهران، دفتر مطالعات محیط کسب و کار.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا، ۱۳۸۷، «نگاهی نو به مسئله احیای زمین‌های موات»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۰، ص ۵-۳۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، *بیست گفتار*، قم، صدرا.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۴، «اصول حاکم در اقتصاد اسلامی اصل اول: مالکیت»، *نامه مفید*، ش ۳، ص ۱۹۹-۲۱۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۳، *البیح*، چ سوم، قم، اسماعیلیان.
- هندرسن، جیمز.م. و ریچارد، ا.کوانت، ۱۳۸۱، *تئوری اقتصاد خرد (تقرب ریاضی)*، ترجمه مرتضی قره‌باغیان و جمشید پژوهان، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- یزدی، سیدمحمدکاظم، بی‌تا، *حاشیه‌المکاسب*، قم، المکتبه الاسلامیه.
- یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، ۱۳۷۷، «مقایسه مفاهیم فقر و مسکنت با دو مفهوم فقر مطلق و نسبی»، *نامه مفید*، ش ۱۶، ص ۲۱۳-۲۲۸.

Clogue, C. P Keefer, S. Knach & M.olson, 1999, "Contract-intensive Money: contract enforcement, Property Rights & Economic performance", *journal of Economic growth*, No. 4, P 121-181.

Coase, R, 1960, "the Problem of Social cost", *Journal of law & Economics*, No. 3, P 1-44.

Kaufman, B.E, 2003, "The organization of economic activity: insights from the institutional theory of john. R. ommons", *journal of Economic Behavior & Organization*, No. 52, P 71-96.

<https://Internationalpropertyrightsindex.org/country/iran>

www.ilna.ir

<http://www.heritage.org/index/country/iran>